دو فصلنامه پژوهشنامه روانشناسی عدالت

سال اول، شماره دوم، پائیز و زمستان ۱۳۹۵

بزهکاری دختران و پسران: نیمرخ روانی و شیوه‌های مقابله‌ای

محسن جدیدی [۱]؛ محمد مهدی شمسائی [۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۹

چکیده

پژوهش حاضر به‌منظور بررسی نیمرخ روانی و شیوه‌ی مقابله‌ای دختران و پسران بزهکار انجام شده است. روش پژوهش غیر آزمایشی و طرح آن دوگروهی بدون کنترل است. جامعه آماری پژوهش دختران و پسران مراکز اصلاح و تربیت شهر گرگان است، که به‌صورت در دسترس نمونه‌ای شامل ۱۰۰ نفر (۵۰ دختر و۵۰ پسر) انتخاب و با دو پرسش‌نامه SCL-90-R و سبک‌های مقابله‌ی بیلینگز و موس مورد سنجش قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از آزمون‌های آماری نظیر t مستقل، تحلیل واریانس چند متغیره، و تحلیل واریانس با تکرار اندازه‌گیری استفاده گردید که نتایج نشان می‌دهد نمونه‌ی آماری از نظر روان‌شناختی نابهنجار بوده؛ نیمرخ روانی دختران بزهکار نسبت‌به پسران بزهکار تفاوت معنادار دارد. به این ترتیب که دختران در مقیاس‌های AS، OCS، SS، DS، EXS نمره‌های بالاتری نسبت‌به پسران داشتند. هم‌چنین بین شیوه‌ی مقابله‌ای هیجان‌مدار این دو گروه تفاوت معنادار مشاهده گردید.

واژه‌های کلیدی: نیمرخ روانی، بزهکاری، شیوه‌ی مقابله‌ای، جنسیت

۱. گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرگز، بندرگز، ایران (نویسنده مسئول). Jadidi.mohsen@gmail.com

۲ . گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی، واحد بندرگز، بندرگز، ایران.

مقدمه

ماهیت اجتماعی انسان و تمایل به برقراری تعامل با دیگران زمینه توجه خاص به کیفیت و چگونگی این روابط را ایجاد می‌نماید. برخی افراد در سن نوجوانی و اوایل جوانی بر خلاف قواعد و اصول اجتماعی گام برمی‌دارند که باعث می‌شود از بافت رفتار اجتماعی دور شده و نتوانند کارکردهای سازگارانه و انطباقی با محیط داشته باشند؛ به این ترتیب –صرف‌نظر از سبب‌شناسی‌های موجود در این زمینه– مسیرهای رشد فرد با مشکلات زیادی همراه و مسدود می‌شود. راه‌های بهنجار عبور به سمت بزرگسالی معمولاً با به پایان رساندن مدرسه، یکپارچه‌سازی خود در بافت نیروی کار، روابط اجتماعی و شروع زندگی جدید معنا پیدا می‌کند، اما در حقیقت این انتقال پیچیده بوده و نوجوانان راه‌های بهنجار را همواره به آسانی به‌دست نمی‌آورند (گیوردانو، گرنکوویچ و لُوِری، ۲۰۰۴: ۱۰؛ لاوب و سامپسون، ۲۰۰۳: ۲۳). رفتارهای پرخاشگری/ بزهکاری در سن نوجوانی به اوج می‌رسد (کوی و دوژ، ۱۹۹۸: ۲۴). ممکن است نوجوانان درگیر رفتارهای انحرافی نیز شوند، به‌خصوص ممکن است دوره‌های رشدی نامناسب و ناپخته‌ای داشته و در نتیجه تجربه‌های خطرناکی را به‌دست آورند که پیامدهای منفی نظیر عملکرد تحصیلی ضعیف و مشکلات اجتماعی و روان‌شناختی ایجاد نماید (کراهن، لیزوت، و پرز، ۱۹۹۷: ۱۸؛ مافیت، کاسپی، راتر، و سیلوا، ۲۰۰۱: ۸۶). در برخی موارد، بزهکاری در نوجوانان سالمی بروز می‌کند که توسط دیگران به گمراهی کشیده شده‌اند. گاهی بزهکاری نتیجه اجتماعی‌سازی ناکافی است که سبب می‌شود نوجوان بر تکانه‌های خود تسلط لازم را پیدا نکند (به نقل از رایس، ۲۰۰۲؛ ترجمه‌ی فروغان،۱۳۸۷: ۳۷۲).

اگرچه، تفاوت‌های گسترده‌ای بین رفتارهای بزهکارانه‌ی افراد مؤنث و مذکر وجود دارد، اما طبق زمینه‌یابی و گزارش جرائم یکپارچه مشخص گردید که نوجوانان بزهکار تقریباً در جرائمی نظیر قتل، تجاوز جنسی، نزاع، دزدی از خانه‌ها، سرقت اتومبیل، و آتش‌افروزی درگیر می‌شوند (کالیور و سیگلر، ۱۹۹۱: ۴۵). پژوهش‌ها در مورد رشد رفتار ضد اجتماعی به خصوص پرخاشگری آشکار و بزهکاری عمدتاً به بررسی پسرها معطوف بوده است (کولاریک، جِکُوا، و وَن‌دیجک، ۲۰۱۶). این مسأله نیز عمدتاً به‌خاطر شیوع پایین نرخ پرخاشگری در دخترها بوده است، اما طی دو دهه‌ی اخیر به‌خاطر تغییرات مختلف اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی مطالعات به بررسی تفاوت‌های جنسیتی در سبب‌شناسی رفتارهای ضد اجتماعی پرداخته‌اند و مطالعه این تفاوت‌ها می‌تواند منجر به درک بهتر

علل بنیادی پرخاشگری و بزهکاری گردد (مافیت، کاسپی، راتر و سیلوا، ۲۰۰۱: ۳۹؛ طامسون و موریس، ۲۰۱۳؛ ویتُپُلوس، پیترسون–بَدَلی، و اسکیلینگ، ۲۰۱۲). البته نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد گاهی نوجوانان دختر هم درگیر رفتارهای بزهکارانه می‌شوند و ماهیت تخلفاتی که مرتکب می‌شوند روند رو به رشدی را به خود اختصاص داده است (اداره‌ی پیشگیری از بزهکاری و دادگاه نوجوانان ایالات متحده، ۱۹۹۵: ۲۲۴؛ پازانچرا، ۲۰۱۳). عموماً نوجوان بنا به دلایل مختلف اعم از درونی مانند ویژگی‌های جسمانی و روان‌شناختی (کالون، گلاسه و بارتولوموچی، ۲۰۰۱: ۴۲؛ گرشام، سین، و لابروس، ۲۰۰۰: ۵۴؛ کلی و دیگران، ۱۹۹۷: ۳۳؛ اُدانل، ۲۰۰۰: ۱۴؛ رُی،۲۰۰۰: ۷۸؛ هاوکینز و دیگران، ۲۰۰۰: ۱۰۲؛ احمدی و کونانی، ۱۳۸۹: ۹۹)، و بیرونی شامل محیط خانواده، محیط مدرسه، همسایه‌ها، محیط اجتماعی گسترده‌تر مانندگروه هم‌سالان (مک‌اِوی و والکر، ۲۰۰۰: ۸۹؛ پاترسون، فورگاچ، استول، و میلر، ۱۹۹۸: ۲۸؛ والکر و دیگران، ۱۹۹۱: ۹۹؛ صادقی‌فرد، ۱۳۸۹: ۸۵) درگیر رفتارهای بزهکارانه می‌شوند. ترکیب و پیچیدگی رابطه‌ی این عوامل خطرزا و هم‌آیندی آن با مراحل رشدی می‌تواند تغییرات را برای رفتار منحرف و ضد اجتماعی فراهم آورد (دوژ، ۱۹۹۹: ۱۳؛ فارلانگ و موریسون،۲۰۰۰: ۲۶؛ گارفینکل، ۱۹۹۷: ۳۳؛ گرین‌برگ و دیگران، ۱۹۹۹: ۴۲؛ هاوکینز و دیگران، ۲۰۰۰: ۹۶؛ کلی، لوبر، کینان و دلاماتر،۱۹۹۷: ۱۶). به‌نظر می‌رسد این افراد شیوه‌ی برخورد مناسب با مقتضیات محیط را نیاموخته یا در اجرای آن‌ها دچار مشکل هستند.

روش‌های کنار آمدن در زمره‌ی مهم‌ترین مؤلفه‌های زندگی امروزی محسوب می‌شود. پلانچرل و بولوگنینی (۱۹۹۵) راهبردهای مقابله‌ای را فرایند عملی و تفکری می‌دانند که باعث شود فرد مشکل یا سختی را تحمل کند، کاهش دهد یا از آن اجتناب نماید. اما افراد بزهکار راهکارهای مقابله‌ای سودمندی برای کنار آمدن با مشکلات‌اشان ندارند (افراسیابی و اکبر زاده، ۱۳۸۵). برخی از این راهبردها رفتارهای قراردادی مانند مذاکره با افرادی که شما را آزار داده‌اند، را شامل می‌شود. برخی نیز می‌تواند منجر به جرم شود (اگنی‌یو، ۲۰۰۱: ۲۱۳). نوجوانان بزهکار عموماً از راهبردهای مقابله‌ای نامطلوب استفاده می‌کنند (دانپانیک، ۱۹۹۹: ۷۸). در شرایط فشارزا و موقعیت‌هایی که به مهارت‌های حل مساله مناسب نیاز است، عموماً افراد بزهکار نمی‌توانند موقعیت را به‌صورت مطلوب پردازش نمایند و ممکن است عدم پردازش مطلوب شناختی آن‌ها به درگیری در رفتارهای هیجانی غیر موثر با موقعیت ختم گردد. زمانی که تعابیر شناختی کفایت لازم برای برخورد با موقعیت را

نداشته باشد، و فرد تجربه‌های کنار آمدن مناسب موقعیت را کسب ننموده باشد، ممکن است کنترل اجتماعی ضعیف فرد او را به رفتارهای بزهکارانه سوق دهد (اگنی‌یو، ۲۰۰۱: ۲۱۴). افراد بزهکار به دلیل حل مسأله و کنترل تکانه‌ی ضعیف، عدم مسوولیت‌پذیری (هرلمن، ۱۹۹۰: ۴۴؛ لائوبوری‌پاتر، ۱۹۹۷، به‌نقل از پانیترات، ۲۰۰۱)، الگوهای یادگیری اجتماعی و فشار همسالان گرایش بیش‌تری دارند از راهبردهای مقابله‌ای هیجانی استفاده کنند که عموماً به رفتارهای مجرمانه و بزهکارانه ختم می‌گردد. از نظر آنان راهبردهای مقابله‌ای هیجانی می‌تواند تنهاترین و بهترین راهبرد موثر مقابله‌ای با بی‌عدالتی و کنارآمدن با هیجانات مرتبط آن باشد (برزینا، ۲۰۰۰: ۹۶).

اکثر نوجوانان بزهکار تشخیص اختلال سلوک دریافت کردند، یعنی اختلالی که ویژگی‌های عمده‌ی تکانش‌وری و پرخاشگری را در خود دارد (استودارد–دِیر، مالت، و بویتل، ۲۰۱۱؛ گریسو، ۲۰۰۸). همچنین نقایصی در حوزه‌های هوش و حافظه که در ارتکاب مجدد جرم مطرح است را نشان می‌دهند (ورمرین، شوآب– استون، راچکین، دکلیپل، و دبوت، ۲۰۰۲: ۹۶). تحقیقات مختلف شیوع افسردگی، سوءمصرف مواد، و اختلال‌های شخصیت را در بزهکاران مؤنث بررسی نموده و رابطه‌ی بین مشکلات بهداشت روانی درمان نشده و رفتار ضد اجتماعی را مشخص نموده‌اند (عبیداله و اِرلز، ۲۱:۱۹۹۹؛ کافمن، ۱۹۹۸: ۵۱؛ کاتاُکا، ۲۰۰۱: ۹۶؛ عبدالهادی و همکاران، ۱۳۸۳). به‌خاطر تأثیر اختلالات روان‌شناختی دختران ممکن است به‌طور کامل به پیامدهای رفتاری و خطرهای احتمالی، شرکت در رفتارهای پرخطر توجه نکنند. از سویی نشانه‌های رفتار افسرده نظیر ترک اجتماعی، عزت‌نفس پایین و از دست دادن علائق به فعالیت، فرد مؤنث را در معرض خطر طرد از گروه همسالان نیز قرار می‌دهد (عبیداله و اِرلز، ۱۹۹۹: ۲۱).

لذا مطالعات متعددی به تفاوت‌های جنسیتی در رفتار ضد اجتماعی و مسیرهای افتراقی آن پرداخته‌اند (لوبر، استوتامر–لوبر، ۱۹۹۸: ۱۹؛ زوکولیلو، ۱۹۹۳: ۷۴؛ زان–واکسلر، ۱۹۹۳: ۳۰). این مسأله که افراد مذکر بزهکاری و پرخاشگری بیش‌تری دارند در پژوهش‌های مختلف تأیید شده است (کوی و دوژ، ۱۹۹۸: ۲۴؛ ایگلی و استفان، ۱۹۸۶: ۸؛ هاید، ۱۹۸۴: ۲۴). مطالعات ملی در ایالات متحده نشان می‌دهد که دو پنجم (حدود ۴۱ درصد) پسران دبیرستانی در مقایسه با ۲۵ درصد از دختران حداقل یک‌بار درگیر نزاع فیزیکی شده‌اند (مرکز پیشگیری کنترل بیماری‌های ایالات متحده، ۲۰۰۴: ۴). این در حالی است که شواهد نشان می‌دهد ایجاد ناامنی و بزهکاری

دختران و پرخاشگری آشکار آنان نیز روندی رو به افزایش دارد (اودجرز و مورتی، ۲۰۰۲: ۱۱۲). از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۱ دستگیری‌های نوجوانان دختر به نسبت پسران افزایش یافته است؛ این مسأله به‌خصوص برای جرائم خشونت‌بار صادق بوده که در آن حملات پرخاشگرانه ۲۴ درصد در دختران افزایش یافته در حالی‌که ٪۲۱ در پسران کاهش یافته است (اسنایدر، ۲۰۰۳: ۸۲). همین روند در نوجوانان کانادایی نیز صادق بوده است. (شید، کامینگز، ون‌براشوت، کامینگز و ساندرز، ۲۰۰۱: ۸۲؛ اودجرز و مورتی، ۲۰۰۲: ۱۰۵)

نیمرخ روان‌شناختی و شیوه‌های مقابله دو عامل درونی تاثیرگذار بر کیفیت روابط اجتماعی است. افراد به روش‌های مختلفی با موقعیت‌های سخت مقابله می‌کنند، که برخی از این مقابله‌ها نیز ممکن است به جرم و بزهکاری منجر شود. (اگنی‌یو، ۱۹۹۲: ۷۹)

رفتارهای بزهکارانه افراطی می‌تواند احساس امنیت را در سطوح مختلف اجتماع دستخوش تغییرات نماید زیرا از یک‌سو خود فرد با قرارگیری در دار و دسته‌ها دیگر نمی‌تواند احساس ایمنی مطلوبی از رفتار و تفکرات خود داشته باشد و از سوی دیگر، افراد جامعه او را یک تهدید جدّی تلقی خواهند کرد. بدیهی است که مراجع قضایی نیز درباره‌ی امنیت عمومی، دزدی، و هزینه‌های جاری و آتی پیشگیری از جرم و نگهداری این افراد در مراکز اصلاحی و تربیتی دارای دغدغه‌های زیادی هستند (هیوم، کندی، پاتریک و پاتریکا، ۱۹۹۶: ۲۲۸). از سوی دیگر فردی که انگ اجتماعی می‌خورد پیوستاری از مشکلات را در سطح روان‌شناختی، اجتماعی و قضایی پیدا می‌کند (کولیج، مور، یامازاکی، استوارت و سگال، ۲۰۰۱: ۱۳۹۱). این افراد علاوه بر مشکلات تحصیلی درگیر آشفتگی‌های روانی- اجتماعی مانند خود انتقادگری نامطلوب، عزت‌نفس پایین، شایستگی اجتماعی ضعیف، تکانش‌گری، بیش‌فعالی و هیجان‌خواهی هستند (بندر، ۱۹۸۷: ۲۴؛ فرلی و سِوِل، ۱۹۷۶: ۶۵؛ لومباردو و لومباردو، ۱۹۹۱: ۷۱؛ مک‌کونای و ریتر، ۱۹۸۶: ۳۸؛ سیروسکی، ۱۹۹۱: ۲۷). این مسائل از آن جهت اهمیت دارد که می‌توانند در طولانی مدت باعث شکل‌گیری مشکلات روانی-اجتماعی گسترده و نا امن شدن جامعه در دوران بزرگ‌سالی شوند. با توجه به مرور صورت گرفته بر یافته‌های موجود سوال اصلی پژوهش حاضر این است که آیا بین نیمرخ روانی و شیوه‌های مقابله‌ای دختران و پسران بزهکار مذکر و مؤنث ساکن در مراکز اصلاح و تربیت تفاوت معناداری وجود دارد؟

روش

پژوهش حاضر غیرآزمایشی و از نوع پس رویدادی است. جامعه آماری پژوهش دختران و پسران مراکز اصلاح و تربیت استان گلستان بوده که تعداد ۱۰۰ نفر (۵۰ نفر مذکر و ۵۰ نفر مونث) به‌صورت هدف‌مند و در دسترس از بین دو مراکز اصلاح و تربیت شهر گرگان انتخاب شده‌اند.

ابزار گردآوری اطلاعات:

– پرسش‌نامه SCL-90-R[1]: این پرسش‌نامه شامل ۹۰ سؤال برای ارزشیابی علایم روانی است که با استفاده از آن می‌توان افراد سالم را از افراد بیمار تشخیص داد. ۹۰ ماده این آزمون ۹ بعد مختلف شکایات جسمانی (S)، وسواس و اجبار (OCS)، حساسیت در روابط متقابل (IS)، افسردگی (D)، اضطراب (Anx)، پرخاشگری (Hs)، ترس مرضی (Ph)، افکار پارانوئیدی (Pa)، و روان‌پریشی (Ps) را در بر می‌گیرد. نمره‌گذاری و تفسیر آزمون براساس سه شاخص ضریب کلی علائم مرضی (GSI)، معیار ضریب ناراحتی (PSDI)، و جمع علائم مرضی (PST) به دست می‌آید.

این آزمون در بین متخصصان کارایی فراوان داشته و گزارشات زیادی نیز به روایی و پایایی مطلوب آن اشاره نموده‌اند. (نانالی ۱۹۷۰)

– پرسش‌نامه مقابله بیلینگز و موس: این پرسش‌نامه توسط بیلینگز و موس در سال ۱۹۸۱ تدوین شده است. پرسش‌نامه پاسخ‌های مقابله، شامل ۱۹ جمله می‌باشد. براساس بررسی‌های بیلینگز و موس، از طریق روش تحلیل عوامل، جملات این پرسش‌نامه به سه دسته تقسیم می‌شود که شامل پاسخ‌های مقابله شناختی فعال با ۶ جمله، پاسخ‌های مقابله رفتاری فعال با ۶ جمله و پاسخ‌ها اجتنابی با ۷ جمله. از طریق این پرسش‌نامه دو شیوه مقابله متمرکز بر حل مسئله با ۱۱ جمله و مقابله متمرکز بر هیجان با ۸ جمله، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دهقانی آرانی (۱۳۷۴) پایایی مقیاس‌های مختلف پرسش‌نامه را با استفاده از روش بازآزمایی بر روی ۴۰ نفر مورد مطالعه قرار داد و ضرایب پایایی به‌دست آمده عبارتند از: پاسخ‌های مقابله کل ۰/۷۳، پاسخ‌های مقابله رفتاری فعال ۰/۷۷، پاسخ‌های مقابله شناختی فعال ۰/۸۳، پاسخ‌های مقابله اجتنابی ۰/۶۰، پاسخ‌های مقابله متمرکز بر حل مسئله ۰/۸۲، پاسخ‌های مقابله متمرکز بر هیجان ۰/۵۷ به‌دست آورده است.

---

1. Symptom Check List-90-Revised

یافته‌ها

جدول آمار توصیفی نیمرخ روانی (مقیاس‌های آزمون SCL-90- R) در بزهکاران مذکر و مونث

مقیاس‌هایSCL	گروه	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
پرخاشگری	مذکر	۵۰	۱,۸۳	۰,۸۳
	مونث	۵۰	۱,۷۱	۱,۱۲
	جمع	۱۰۰	۱,۷۷	۰,۹۸
اضطراب	مذکر	۵۰	۱,۵۸	۰,۵۷
	مونث	۵۰	۲,۳۱	۰,۷۸
	جمع	۱۰۰	۱,۹۵	۰,۷۷
وسواس- اجبار	مذکر	۵۰	۱,۵۷	۰,۵۸
	مونث	۵۰	۱,۹	۰,۷۵
	جمع	۱۰۰	۱,۷۴	۰,۶۹
حساسیت در روابط متقابل	مذکر	۵۰	۱,۶۳	۰,۵۸
	مونث	۵۰	۱,۷۵	۰,۷۳
	جمع	۱۰۰	۱,۶۹	۰,۶۶
شکایات جسمانی	مذکر	۵۰	۱,۲۹	۰,۶
	مونث	۵۰	۱,۸۹	۰,۷
	جمع	۱۰۰	۱,۶	۰,۷۲
روان پریشی	مذکر	۵۰	۱,۵۵	۰,۶۲
	مونث	۵۰	۱,۵۹	۰,۷۲
	جمع	۱۰۰	۱,۵۷	۰,۶۸
افکار پارانوئیدی	مذکر	۵۰	۲,۰۴	۰,۷۱
	مونث	۵۰	۲,۱۲	۰,۷۱
	جمع	۱۰۰	۲,۰۸	۰,۷۱

مقیاس‌هایSCL	گروه	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
افسردگی	مذکر	۵۰	۱,۸	۰,۵۶
	مونث	۵۰	۲,۳۱	۰,۶۶
	جمع	۱۰۰	۲,۰۶	۰,۶۶
ترس مرضی	مذکر	۵۰	۱,۲۱	۰,۷۱
	مونث	۵۰	۱,۲۸	۰,۸۹
	جمع	۱۰۰	۱,۲۴	۰,۸
سؤال‌های اضافی	مذکر	۵۰	۱,۸۸	۰,۵۴
	مونث	۵۰	۲,۲۱	۰,۸
	جمع	۱۰۰	۲,۰۵	۰,۷
ضریب علائم کلی (GSI)	مذکر	۵۰	۱,۶۲	۰/۴۷
	مؤنث	۵۰	۱,۹۲	۰,۵۹
	جمع	۱۰۰	۱,۷۷	۰,۵۶

جدول آزمون‌های چند متغیری

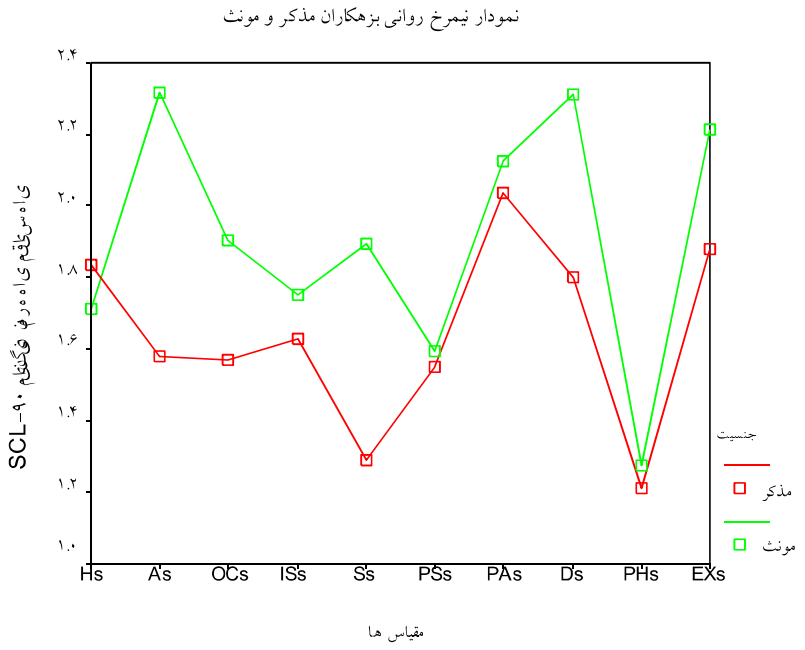
اثر	آزمون	آماره	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	ضریب اتا
تعامل گروه‌ها و مقیاس‌های SCL	لامدای ویلکز	۰,۵۵	۸,۰۸	۹	۹	۰,۰۰۰۱	۰,۴۵

در جدول فوق مشاهده می‌شود که لامدای ویلکز محاسبه شده بر اساس (F=8.08, 0.0001 df=9, P<) معنادار می‌باشد.

جدول آزمون تحلیل واریانس با تکرار اندازه‌گیری در دو گروه

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	آلفا	اتا
گروه‌ها	۳۱۴۵,۸۶	۱	۳۱۴۵,۸۶	۱۰۶۶,۲۸	۰,۰۰۰۱	۰,۹۱۶
جنسیت	۱۸,۴۰	۱	۱۸,۴۰	۶,۲۴	۰,۰۱	۰,۰۶
خطا	۲۸۹,۱۳	۹۸	۲,۹۵			

با توجه به جدول فوق (F=18.40, df=1, 341, P< 0.25) بین دو گروه از نظر خرده‌مقیاس‌های آزمونSCL-90-R تفاوت معنادار مشاهده می‌گردد. بنابراین فرض صفر رد و فرض پژوهش تأیید می‌گردد.



در این مرحله برای این‌که به‌صورت آماری نیز مشخص شود که دقیقاً کدام خرده‌مقیاس‌ها از نظر آماری در بین دختران و پسران بزهکار تفاوت معنادار با یکدیگر دارند، از آزمون آماری تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) استفاده می‌نماییم.

جدول آزمون‌های چند متغیری

اثر	آزمون	آماره	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	آلفا	اتا
تعامل گروه‌ها و مقیاس‌های SCL	لامدای ویلکز	۰,۰۶	۱۴۸,۵۲	۱۰	۸۹	۰,۰۰۱	۰,۹۴

در جدول فوق مشاهده می‌شود، لامدای ویلکز محاسبه شده بر اساس (F=148.52, 0.001 (df=10, P< معنادار می‌باشد.

جدول تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA)

	خرده مقیاس‌های SCL-90	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	آلفا	اتا
جنسیت	پرخاشگری	۰,۳۶	۱	۰,۳۶	۰,۳۷	۰,۵۴	۰,۰۰۱۸
	اضطراب	۱۳,۶۰	۱	۱۳,۶۰	۲۹,۲۲	۰,۰۰۰۱*	۰,۲۳
	وسواس- اجبار	۲,۷۶	۱	۲,۷۶	۶,۱۶	۰,۰۱*	۰,۰۶
	حساسیت در روابط متقابل	۰,۳۷	۱	۰,۳۷	۰,۸۶	۰,۳۶	۰,۰۰۱
	شکایات جسمانی	۹,۱۰	۱	۹,۱۰	۲۱,۴۵	۰,۰۰۰۱*	۰,۱۸
	روان‌پریشی	۰,۰۵	۱	۰,۰۵	۰,۱۱	۰,۷۵	۰,۰۰۱
	افکار پارانوئیدی	۰,۱۹	۱	۰,۱۹	۰,۳۷	۰,۵۴	۰,۰۰۴
	افسردگی	۶,۴۴	۱	۶,۴۴	۱۷,۳۰	۰,۰۰۰۱*	۰,۱۵
	ترس مرضی	۰,۱۱	۱	۰,۱۱	۰,۱۶	۰,۶۹	۰,۰۰۱
	سؤال‌های اضافی	۲,۸۰	۱	۲,۸۰	۶,۰۱	۰,۰۱*	۰,۰۵
خطا	پرخاشگری	۹۴,۷۸	۹۸	۰,۹۷			
	اضطراب	۴۵,۶۴	۹۸	۰,۴۷			
	وسواس- اجبار	۴۳,۸۴	۹۸	۰,۴۵			
	حساسیت در روابط متقابل	۴۲,۵۹	۹۸	۰,۴۴			

	خرده مقیاس‌های SCL-90	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	آلفا	اتا
	شکایات جسمانی	۴۲،۵۸	۹۸	۰،۴۲			
	روان پریشی	۴۵،۱۶	۹۸	۰،۴۶			
	افکار پارانوئیدی	۴۹،۵۶	۹۸	۰،۵۱			
	افسردگی	۳۶،۵۰	۹۸	۰،۳۷			
	ترس مرضی	۶۳،۶۴	۹۸	۰،۶۵			
	سؤال‌های اضافی	۴۵،۵۳	۹۸	۰،۴۷			

با توجه به جدول بالا مشخص شده است که این دو گروه در خرده‌مقیاس‌هایی که با علامت * مشخص شده‌اند با یکدیگر تفاوت معنادار دارند. دختران بزهکار در خرده مقیاس‌های اضطراب، وسواس، شکایات جسمانی، افسردگی و سؤالات اضافی نمره‌های برافراشته‌تری را نسبت به پسران بزهکار دارا هستند.

جدول آزمون t مستقل مقایسه میانگین معیار کلی علائم مرضی (GSI)، شیوه‌ی مقابله‌ی مساله مدار و شیوه‌ی مقابله هیجان‌مدار دو گروه مردان و زنان بزهکار

	گروه	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معناداری
معیار کلی علائم مرضی	مرد	۵۰	۱،۶۱	۰،۴۷	۲،۹۸	۹۸	۰،۰۰۵
	زن	۵۰	۱،۹۲	۰،۵۹			
شیوه‌ی مقابله‌ی مسأله‌مدار	مرد	۵۰	۲۰،۲	۵،۳۶	۱،۵۹	۹۸	۰،۱۲
	زن	۵۰	۲۱،۹۶	۵،۷۳			
شیوه‌ی مقابله هیجان‌مدار	مرد	۵۰	۱۴،۶	۳،۱۶	۲،۴۹	۹۸	۰،۰۱
	زن	۵۰	۱۳،۰۴	۳،۰۹			

در خصوص این‌که آیا بین معیار کلی علائم مرضی (GSI) بزهکاران مذکر و مونث تفاوت معنادار وجود دارد طبق جدول بالا ($t=2.89, df=98, P< 0.005$) مشاهده می‌شود که بین دو گروه مردان و زنان بزهکار از نظر معیار کلی علائم مرضی (GSI) تفاوت معنادار وجود دارد. با توجه به

نتایج آمار توصیفی مشخص می‌شود که میانگین ضریب GSI در دختران بزهکار بالاتر بوده و از وضعیت روان‌شناختی نامساعدتری برخوردار هستند.

در خصوص این‌که آیا بین شیوه‌ی مقابله‌ی مسأله‌مدار در مردان و زنان بزهکار تفاوت معنادار وجود دارد. طبق جدول بالا ($t=1.59, df=98, P< 0.12$) مشاهده می‌شود که بین دو گروه مردان و زنان بزهکار از نظر شیوه‌ی مقابله‌ی مسأله‌مدار تفاوت معنادار وجود ندارد.

همچنین برای مقایسه بین شیوه‌ی مقابله‌ی هیجان‌مدار بزهکاران مذکر و مونث طبق جدول فوق ($t=2.98, df=98, P< 0.005$) مشاهده می‌شود که بین دو گروه مردان و زنان بزهکار از نظر شیوه‌ی مقابله‌ی هیجان‌مدار مردان و زنان تفاوت معنادار وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج، گویای آن بود که دختران بزهکار از نظر وضعیت روان‌شناختی کلی در شرایط نامساعدتری نسبت به پسران قرار دارند. به عبارتی وضعیت ناگوارتر روان‌شناختی دختران بزهکار توجیه کننده انجام رفتارهای مغایر با شرایط جنسیتی‌شان است. مشاهدات بالینی گویای آن است که افراد افسرده در گذشته‌ای نزدیک دوره‌ای از علائم و نشانه‌های اضطراب را نیز تجربه نموده‌اند. علائم و نشانه-های اضطراب و افسردگی ارتباط پیچیده و متقابلی با یکدیگر دارند؛ به نحوی که نسخه پنجم طبقه‌بندی آماری و تشخیصی اختلالات روانی، طبقه‌ای با ترکیب علائم اضطراب و افسردگی به طبقه‌بندی اختلالات روانی اضافه نموده است. یافته‌های پژوهش نیز گویای بالا بودن همزمان مقیاس‌های اضطراب، وسواس و افسردگی دختران بزهکار نسبت به پسران بزهکار است که می‌تواند گویای احساس ناامنی و درگیری فکری بیشتر این دختران نسبت به ناکامی و تجارب تلخ گذشته و آینده باشد. همسو با این نتایج، تحقیق کورت باتلر (۲۰۰۹) نشان داد که تعامل سبک مقابله‌ای اجتنابی و استرس می‌تواند نشانه‌های افسردگی را در دختران تبیین کند و همچنین شیوه‌ی مقابله‌ی هیجان‌مدارِ اقدام سریع و عملی در قبال مشکلات رفتار بزهکارانه را در دختران افزایش می‌دهد؛ درحالی‌که مقابله‌ی روی‌آوری مسأله‌مدار به مشکلات می‌تواند رفتار بزهکارانه را در پسران و دختران کاهش دهد. به این ترتیب، هیجان‌مداری و ناتوانی بیشتر در حل مسئله نسبت به پسران به‌عنوان زمینه‌ساز و معلول حضور علائم و نشانه‌های اضطراب و افسردگی چرخه معیوبی را در دختران

بزهکار ایجاد می‌کند که پیامد آن می‌تواند زمینه‌ساز وضعیت نامطلوب‌تر آنان در نمره کل بهداشت روانی نسبت به پسران بزهکار گردد.

علی‌رغم تغییرات چشمگیر در شرایط فرهنگی جوامع مختلف، این نکته‌ی آموزشی همچنان در خانواده وجود دارد که دختران را طوری تربیت نمایند که در دوران رشد خود میزان تبعیت‌کنندگی‌اشان از قوانین و هنجارها بیش‌تر از پسران باشد و همین مسأله منجر به تفاوت‌های رفتاری بین دو جنس می‌گردد. در صورتی‌که خودگزارش‌دهی دختران بزهکار این نمونه‌ی پژوهشی گویای میزان تبعیت کمتر از اصول و مبادی قانونی نسبت به همتایان جنس مخالف‌اشان است. یکی از توجیهات این یافته‌ی پژوهشی احتمالاً می‌تواند به شرایط خانوادگی که آن‌ها در آن رشد نموده‌اند باشد. تحقیقات گسترده در این زمینه مشخص کرده‌اند که خانواده‌های غافل نسبت به پرورش کودکان، خانواده‌های آسان‌گیر و خانواده‌های سخت‌گیر افرادی را به جامعه تحویل می‌دهند که کفایت سازگاری لازم اجتماعی را ندارند و معمولاً امنیت قلمرو زندگی خود و اجتماع بزرگ‌تر را نیز با چالش روبه‌رو می‌سازند. از سوی دیگر، عموماً افراد بزهکار در خانواده‌هایی رشد می‌کنند که در پایگاه اقتصادی/اجتماعی پایین قرار دارند (بروکس–گان، بری‌تو، و بِرَدی، ۱۹۹۸: 279؛ مک‌لوید، ۱۹۹۰: 311؛ میستری و همکاران، ۲۰۰۲: 936). فقر می‌تواند سبب شود که والدین اعتماد خود را به توانایی‌اشان در جهت تأثیرگذاری بر رشد و تحول فرزندانشان از دست بدهند و به جای توجه به پرورش مهارت‌های انطباقی و مقابله‌ای در فرزندان، ذهن‌شان مشغول دغدغه‌های معیشتی شود (برادی و همکاران، ۱۹۹۴: 594). با عنایت به این‌که ریشه‌ی عمده‌ی بروز بزهکاری در خانواده‌هاست برنامه‌های پیشگیرانه‌ی آموزشی در سطح خانواده در درجه‌ی اولویت قرار دارند؛ همچنین هدف اصلی این برنامه‌ها افزایش کفایت آموزشی، اجتماعی و تعهد آن‌ها به اصول اجتماعی و رفتاری باشد (هاوکینز و همکاران، ۱۹۹۹: ۲۲۸). نتایج به دست آمده از پژوهش احمدی، خواجه‌نوری، و موسوی (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که همسالان نقش مهمی در بزهکاری نوجوانان دارد، لذا برنامه‌های پیشگیرانه و حتی مداخلاتی، می‌تواند بر آموزش دوست‌یابی و نقش‌پذیری‌های مثبت نیز متمرکز گردد. از سویی خدمات بهداشت روانی برای بزهکاران دختر و پسر می‌بایست همخوان با نیمرخ و نیازهای روان‌شناختی آن‌ها برای ایفای مقابله‌های پخته‌تر در شرایط بحرانی تدوین و

برنامه‌ریزی گردد. وضعیت نامناسب‌تر نیمرخ روانی دختران بزهکار توجه جدی‌تر به آنها هم در خدمات پیشگیرانه و هم در مداخلات درمانی را نشان می‌دهد.

فهرست منابع

احمدی، حبیب؛ خواجه‌نوری، بیژن؛ و موسوی، سید مجید. (۱۳۸۸). عوامل مرتبط با بزهکاری دانش آموزان دبیرستانی. *فصلنامهٔ علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۹؛ ۱۰۵-۱۲۲.

احمدی، حبیب؛ و کونانی، سلمان. (۱۳۸۹). اوصاف و ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان پسر بزهکار. *تعالی حقوق*، ۲؛ ۹۹-۱۱۵.

افراسیابی، مهناز؛ و اکبر زاده، نسرین. (۱۳۸۵). بررسی و مقایسه ی شیوه های مقابله با استرس در نوجوانان عادی و بزهکار شهر تهران. *مطالعات روان‌شناختی*، ۳؛ ۷-۲۰.

راهنمای مراقبت از بیماریهای روانپزشکی- دانشگاه علوم پزشکی کرمان و دفتر سلامت روانی اجتماعی معاونت سلامت، ۱۳۷۸، ص:۷.

رایس، فیلیپ (۱۳۸۷). رشد انسان: روان‌شناسی از تولد تا مرگ، ترجمه: مهشید فروغان. تهران: انتشارات ارجمند (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۲).

صادقی‌فرد، مهدی . (۱۳۸۹). عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش نوجوانان و جوانان پسر به بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن. *فصلنامه علمی – ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم*، ۵؛ ۸۵- ۱۱۳.

- Agnew, R., & White, H. R. (1992). An Empirical Test of General Strain Theory. *Criminology*. 30, 475-99.

- Agnew, R. (2001). Building on the Foundation of General Strain Theory: Specifying the Types of Strain Most Likely to Lead to Crime and Delinquency. *Journal of Research In Crime and Delinquency*, 38, 319-361.

- American Psychiatric Association. (2000). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders* (4th ed.), text revision. Washington, DC: Author.

- Arseneault, L., Walsh, E., Trzesniewski, K., Newcombe, R., Caspi, A., & Moffitt, T. E. (2006). Bullying victimization uniquely contributes to adjustment problems in young children: A nationally representative cohort study. *Pediatrics,* 118, 130-138.

- Bender, W. N. (1987). Secondary personality and behavioral problems in adolescents with learning disabilities. *Journal of Learning Disabilities*, 20, 280-285.

- Brezina, T. (2000). Delinquent Problem-Solving: An Interpretative Framework for Criminological Theory and Research. Journal of Research in Crime and Delinquency, 37, 3-30.

- Brier, N. (1989). The relationship between learning disability and delinquency: A review and reappraisal. *Journal of Learning Disabilities*, 22, 546-553.
- Center on Crime, Communities, & Culture. (1997). Education as crime prevention: Providing education to prisoners. *Research Brief* (2). New York: Occasional Paper Series.
- Cocozza, J. J., & Ingalls, R. P., (1984). Characteristics of Children in Out-of-Home Care. Albany, NY: New York State Council on Children and Families.
- Coie, J. D., & Dodge, K. A. (1998). Aggression and antisocial behavior. In W. Damon (Series Ed.) & N. Eisenberg (Vol. Ed.), Handbook of child psychology: Vol. 3. Social, emotional, and personality development (5th ed., pp. 779–862). New York: John Wiley and Sons.
- Culliver, C. & Sigler, R. (1991). The relationship between learning disability and juvenile delinquency. *International Journal of Adolescence and Youth*, 3, 117-128.
- Davis, D. L., Bean, G. J., Schumacher, J. E., & Stringer, T. L. (1991). Prevalence of emotional disorders in a juvenile justice institutional population. *American Journal of Forensic Psychiatry* 9, 1-13,
- Davies, S., & Tanner, J. (2003). The Long Arm of the Law: Effects of Labeling on Employment. *Sociological Quarterly*, 44, 385-404.
- Dembo, R., Williams, L., Wish, E. D., Berry, E., Getreu, A. M., Washburn, M., & Schmeidler, J. (1990). Examination of the relationships among drug use, emotional/psychological problems, and crime among youth entering a juvenile detention center. *International Journal of Addictions*, 25, 1305-1340.
- Kumpulainen, K., & Rasanen, E. (2000). Children involved in bullying at elementary school age: Their psychiatric symptoms and deviance in adolescence. An epidemiological sample. *Child Abuse & Neglect,* 24, 1567-1577.
- Kuntsche, E. N., & Gmel, G. (2004). Emotional wellbeing and violence among social and
solitary risky single occasion drinkers in adolescence. *Addiction,* 99, 331-339.
- Lombardo, V. S. & Lombardo, E. F. (1991). The link between learning disabilities and juvenile delinquency: Fact or fiction. *International Journal of Biosocial Medical Research*, 13, 112-117.
- McConaughy, S. H. & Ritter, D. R. (1986). Social competence and behavioral problems of learning-disabled boys aged 6-11. *Journal of Learning Disabilities*, 19, 39-45.

- McEvoy, A., & Welker, R. (2000). Antisocial behavior, academic failure, and school climate: A critical review. *Journal of Emotional and Behavioral Disorders, 8*, 130-140.
- McKay, S. & Brumback, R. A. (1980). Relationship between learning disabilities and juvenile delinquency. *Perceptual and Motor Skills*, 51, 1223-1226.
- McLoyd, V. C. (1990). The impact of economic hardship on black families and children: Psychological distress, parenting, and socioemotional development. *Child Development*, 61, 311-346.
- Mistry, R. S., Vandewater, E. A., Huston, A. C., Mcloyd, V. (2002). Economic well-being and children's social adjustment: The role of family process in an ethnically diverse low-income sample. *Child development*, 73, 935-951.
- Moffitt, T. E., Caspi, A., Rutter, M., & Silva, P. A. (2001). Sex differences in antisocial behavior: Conduct disorder, delinquency, and violence in the Dunedin longitudinal study. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Obeidallah, D., & Earls, F. (1999). Adolescent girls: The role of depression in the
development of delinquency (FS000244). *National Institute of Justice*, Washington, DC: U.S. Government Printing Office.
- Odgers, C. L., & Moretti, M. M. (2002). Aggressive and antisocial girls: Research update and challenges. *International Journal of Forensic Mental Health,* 1, 103−119.
- O'Donnell, C. R. (2000). *Disabilities* and the Juvenile Justice System: A Literature Review. Clemson, SC: *Consortium for Children, Families, and the Law*.
- Office of Juvenile Justice and Delinquency Prevention. (1998). Juvenile justice statistics.
From: http://www.ojjdp.ncjrs.org/jjbulletin/9812_2/female.html.
- Panitrat, R. (2001). The Relationships among Dysfunctional Attitudes, Learned Resourcefulness, and Amphetamine Use in Thai Adolescents. Unpublished PhD Thesis Submitted to the Office of Post Graduate Studies of Franced Payne Bolton School of Nursing Care Western Reserve University.
- Patterson, G. R., Forgatch, K. L., & Stoolmiller, M. (1998). Variables that initiate and maintain an early-onset trajectory for juvenile offending. *Development and Psychopathology, 10*, 531-547.
- Plancherel, B., & Bolognini, M. (1995). Coping and Mental Health in Early Adolescence. *Journal of Adolescence*, 18, 459-474.

Puzzanchera, C. (2013). Juvenile Arrests 2010. Juvenile offenders and victims: National reports series. Washington, DC: Office of Juvenile Justice and Delinquency Prevention.
- Reddy, M., Borum, R., Berglund, J., Vossekuil, B., Fein, R., & Modzeleski, W. (2001). Evaluating risk for targeted violence in schools: Comparing risk assessment, threat assessment, and other approaches. *Psychology in the Schools, 38*, 157-172.
- Reinherz, H. Z., Giaconia, R. M., Lefkowitz, E. S., Pakiz, B., & Frost, A. K. (1993). Prevalence of psychiatric disorders in a community population of older adolescents**.** *Journal of American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, 32, 369-77.
- Roy, K. G. (2000). The systemic conditions leading to violent human behavior. *Journal of Applied Behavioral Science, 36*, 389-407.
- Sourander, A., Elonheimo, H., Niemela, S., Nuutila, A., Helenius, H., Sillanmaki, L., et al. (2006b). Childhood predictors of male criminality: A prospective population-based follow up study from age 8 to late adolescence. *Child & Adolescent Psychiatry,* 45, 578-586.
- Stefanov, M. L. (2005). MMPI-A: Test of Behavioral Correlates Associated With Elevated Scales in a Sample of Female Juvenile Delinquents. Submitted to the Office of Graduate Studies of Texas A & M University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy.
- Stoddard-Dare, P., Mallett, C., Boitel, C. (2011). Association between mental health disorders and juveniles' detention for a personal crime. Child and Adolescent Mental Health, 16, 208–213
- Sullivan, T. N., Farrell, A. D., & Kliewer, W. (2006). Peer victimization in early adolescence: Association between physical and relational victimization and drug use, aggression, and delinquent behaviors among urban middle school students. *Development and Psychopathology*, 18, 119-137.
- Tanner, J., Davies, S., & O'Grady, B. (1999). Whatever Happened to Yesterday's Rebels? Longitudinal Effects of Teenage Delinquency on Education and occupational Outcomes. *Social Problems*, 46, 250-274.
-. Thompson, K. C., & Morris, R. J. (2013). Predicting recidivism among juvenile delinquents: Comparison of risk factors for male and female offenders. Washington, DC: Office of Juvenile Justice and Delinquency Prevention.
- Veneziano, C., & Veneziano, L. (1986). MMPI profiles among institutionalized male

juvenile delinquents. *Child Psychiatry and Human Development, 18*, 95-102.
- Vermeiren, R. (2003). Psychopathology and delinquency in adolescents: A descriptive and developmental perspective. *Clinical Psychology Review, 23*, 277-318.
- Vermeiren, R., Schwab-Stone, M., Ruchkin, V., De Clippele, A., & Deboutte, D. (2002). Predicting recidivism in delinquent adolescents from psychological and psychiatric assessment. *Comprehensive Psychiatry*, 43,142-149.
- Vitopoulos, N. A., Peterson-Badali, M., & Skilling, T. A. (2012). The relationship between matching service to criminogenic need and recidivism in male and female youth examining the RNR principles in practice. *Criminal Justice and Behavior,* 39(8), 1025–1041. doi: 10.1177/ 0093854812442895
- Waldie, K. & Spreen, O. (1993). The relationship between learning disabilities and persisting delinquency. *Journal of Learning Disabilities*, 26, 417-423.
- Walklate, S. (2003). Understanding Criminology- Current Theoretical Debates (2nd eds). Maiden Head: Open University Press.
- Wincup, E. (1999). Women Awaiting Trial: Common Problems and Coping Strategies. *The British Criminology Conferences*, 2.
- Zahn-Waxler, C. (1993). Warriors and worriers: Gender and psychopathology. *Development and Psychopathology*, 5, 79−89.
- Zoccolillo, M. (1993). Gender and the development of conduct disorder. *Development and Psychopathology,* 5, 65−78.